



اثرات اقتصادی طرح هدفمندسازی یارانه‌ها بر مناطق پیرامونی شهر

مورد: شهر ری، تهران

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۱/۱۸

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۴/۲۱

صفحات: ۱۴۲-۱۲۷

افشین متقی؛ دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

بهاره احمدی؛ کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

حامد اینانلو؛ کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

هدفمندسازی یارانه‌ها به عنوان طرحی برای بهره‌وری بیشتر عرصه تولید و کاستن از هزینه‌های مستقیم دولت، یکی از کنش‌های اقتصادی مهم و بحث‌برانگیز در نظام جمهوری اسلامی است. چابک‌سازی تولید و توانمندسازی بخش‌های مختلف اقتصاد یکی از اهداف مهمی است که در تدوین هدفمندسازی یارانه‌ها ذکر شده است. از سوی دیگر، بررسی محتوای برنامه راهبردی اقتصاد ملی (مقاومتی) نیز نشان می‌دهد که این برنامه با هدف مقاوم‌سازی عرصه‌های تولید در داخل کشور از طریق افزایش حجم، میزان و بهره‌وری در اقتصاد ملی عملیاتی شده است. با توجه به اهمیت هدفمندسازی یارانه‌ها، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر کارکردگرایانه‌ی این طرح بر اقتصاد خانوارهای پیراشهری شهر ری از منظر اقتصاد مقاومتی و اقتصاد سیاسی پرداخته است. به این منظور، پرسش اصلی تحقیق این است که هدفمندسازی یارانه‌ها از منظر اقتصاد سیاسی، چه رابطه‌ای با اقتصاد ملی دارد. ابعاد اقتصادی طرح هدفمندسازی یارانه‌ها در این پژوهش بر اساس چهار شاخص رفتار مصرفی خانوار، سبد بودجه و هزینه‌ی خانوار، رضایت‌مندی از تأمین نیازها و سطح رفاه خانوار پیش و پس از اجرای طرح، مطالعه است. نتایج نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در سبد مصرفی خانوارها رخ نداده است و بنابراین به نظر می‌رسد طرح هدفمندسازی یارانه‌ها دارای رابطه‌ی معکوس و منفی با اقتصاد ملی کارآمد است و در بلندمدت می‌تواند به یکی از موانع تحقق آن تبدیل شود.

واژه‌های کلیدی:

اقتصاد سیاسی،
هدفمندسازی یارانه-
ها، مناطق پیراشهری،
شهر ری.



طرح هدفمندسازی یارانه‌ها در کشور یکی از مجموعه کنش‌های اقتصادی-سیاسی است و پیامدهای آن علاوه بر ابعاد گوناگون جامعه، طرح‌ها، برنامه‌ها و چشم‌اندازهای کلان را نیز در بر می‌گیرد. به نظر می‌رسد از میان همه‌ی توجیحات اقتصادی-منطقی که درباره هدفمندسازی یارانه‌ها وجود دارد، می‌توان به این نتیجه رسید که تولید و داد و ستد باید در فضای تقریباً آزاد و بدون مداخله عناصر بیرون از بازار «به‌ویژه دولت»، رخ دهد تا تولیدکنندگان بر اساس علائمی که از مصرف‌کنندگان دریافت می‌کنند، نوع و میزان کالاهای مورد نیاز جامعه را شناسایی کنند (Farah, et al, 2015: 3-4). به عبارت دیگر، اگر نیروی مداخله‌گر دولت، رویه‌ی خود تنظیمی تولید را به اصناف و نمایندگان بسپارد و کنش‌های اقتصادی خود را فراتر از قاعده‌گذاری کلی تعریف نکند، بازار توانایی تنظیم ارتباطات افراد را خواهد داشت. بر اساس چنین منطقی، یارانه‌های پرداختی از سوی دولت باعث برهم خوردن قانون عرضه و تقاضا شده و در کنش‌های تولیدی-بازاری اختلال ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، این منطقی بر آن است که یارانه‌هایی که از دریافت مالیات به دست می‌آید، نمی‌تواند توسط دولت به صنایع یا افراد یا برای دریافت برخی از خدمات (پژویان، ۱۳۹۶: ۲۵۴). در واقع، پرداخت یارانه توسط دولت باعث می‌شود که بنگاه‌های اقتصادی زیان‌ده، ناتوانی و عجز خویش را در تولید کالا و خدمات بهتر و با قیمت مناسب‌تر در زیر یارانه‌ی پرداختی پنهان کنند (Hope, et al, 2015: 36).

هدایت جریان یارانه از شهروندان به بنگاه‌های تولیدی، یکی از پرسامدترین استدلال‌های اجرای این طرح در کشور بوده است. بر اساس این استدلال، شرایط اقتصادی معاصر، گسترش فعالیت‌های بخش عمومی را ایجاب می‌کند و از این رو، دولت‌ها دیگر به نقش کوچکی که اقتصاددانان کلاسیک برای آن قائل بودند، اکتفا نکرده و به صورت یکی از ارکان اقتصادی جامعه عمل می‌کنند. بر این اساس، نقش دولت در جریان‌های اقتصادی با شتاب قابل توجهی رو به افزایش است. این شتاب به ایجاد سازمان‌ها، بنگاه‌ها و دخالت‌هایی منتهی می‌شود که منجر به افزایش سهم دولت از درآمد ملی می‌گردد (Haley, 2013: 20). دولت جدا از وظایف سنتی، باید در راستای نیل به رفاه اجتماعی به مسائلی چون تخصیص منابع، توزیع درآمد، اشتغال، حفظ سطح قیمت‌ها، رشد اقتصادی، تجارت بین‌المللی و مسائلی از این دست نیز پردازد. هدایت کردن مسیر یارانه‌ها از بخش مصرف به بخش تولید هم در همین راستا توجیه می‌شود، چراکه امروزه هم از نظر کمیت و هم از لحاظ کیفیت، فعالیت‌های اقتصادی دولت رو به گسترش است و لزوم دخالت دولت در جریان‌های اقتصادی جامعه مانند هدفمندسازی یارانه‌ها ضروری‌تر به نظر می‌رسد (Karnik and Lavani, 2016: ۸۲۱).

همچنان که پیداست هدفمندسازی یارانه‌ها نوعی کوشش اقتصادی-سیاسی است که همزمان در پی از میان برداشتن هزینه‌های عمومی دولت بدون تقلیل اختیارات اجتماعی و اختصاص دادن آن به بنگاه‌های تولیدی-بازاری است. به عبارت دیگر، هدفمندسازی یارانه‌ها از کوچک‌سازی دولت تنها به کاهش هزینه‌های جاری دولت و از مداخله‌گری دولت تنها به هدایت هزینه‌ها از مصرف به تولید است. به باور برخی از نظریه‌پردازان اقتصادی و از جمله مکتب اتریش، این نوع از کنش‌های دولت می‌تواند توازن میان دولت‌گرایی مفرط و بازارمحوری مفرط ایجاد کند و با چالاک ساختن بخش تولید-بازار به پویایی و بهره‌وری اقتصاد ملی بیانجامد. از سوی دیگر، بررسی محتوی برنامه‌های استراتژیک و کلان اقتصاد مقاومتی نیز نشان می‌دهد که سرآمد اهداف این برنامه، دستیابی به شیوه‌های تولیدی-بازاری مقاوم و منعطف است. این شیوه‌ها با پویایی زیرساخت‌ها و نیازهای اساسی در اقتصاد بومی-ملی به دست می‌آید. با

توجه به اشتراکات ظاهری میان طرح هدفمندسازی یارانه‌ها و استراتژی اقتصاد مقاومتی، پژوهش حاضر به بررسی تأثیر هدفمندسازی یارانه‌ها بر فضاهای پیراشهری پرداخته است. بدین منظور با بررسی چهار مؤلفه اقتصادی در طرح هدفمندسازی یارانه‌ها به تبیین نوع رابطه‌ی آن با اقتصاد مقاومتی پرداخته شده است.

آدام اسمیت، با تأکید بر اینکه بازار آزاد ابزاری است برای تبدیل نفع شخصی به خیر عمومی و وسیله ایست که آزادی من به واسطه آن می‌تواند با آزادی تو سازگار شود، عملاً اقتصاد کلاسیک را پایه گذاشت (فیتزپتریک، ۱۳۹۱: ۹۲). بدین ترتیب، رقابت‌کنندگان در بازار را یک دست نامرئی از طریق برقراری تعادل مابین عرضه و تقاضا، به سوی خیر و رفاه عمومی هدایت می‌کند. در عین حال اسمیت این دست نامرئی را به بازویی مرئی پیوند می‌دهد و معتقد است برخی مقررات رفتاری اخلاقی و اجتماعی که در حکومت قانونی متجلی است و در نهایت دولت ضامن آن‌هاست. اسمیت همچنین برای اجرای ۳ وظیفه‌ی مهم و قابل درک برای عموم وجود دولت را در یک سیستم اقتصاد آزاد ضروری می‌داند، این وظایف عبارتند از (Altieri, 2009: 103-104):

۱. حمایت از اهالی و دارایی جامعه در مقابل دشمنان که لازمه آن وجود ارتش است.

۲. دفاع از منافع اهالی در مقابل همشهری‌های دیگر است که اختلاف طبقاتی در درآمد و ثروت و افزایش این تفاوت، هزینه چنين وظیفه‌ای را سنگین‌تر می‌کند. برای انجام این مهم، وجود نیروهای انتظامی داخلی و دادگاه‌ها ضروری است.

۳. و سرانجام دولت موظف به ایجاد مؤسسات و خدمات عمومی است.

خصوصی‌سازی صنایع، حذف یا کاهش تعرفه‌ها، آزادسازی نیروی کار، آزادسازی نرخ ارز، آسان‌سازی جریان سرمایه و جا به جایی پول، عمده‌ترین نکات و اصلی‌ترین محورهای متشابه طرح هدفمندسازی یارانه‌ها در بیشتر مکاتب اقتصادی است. اقتصاددانان اروپایی بویژه آلمانی سیستم اقتصادی را دوگانه و متشکل از بخش خصوصی و بخش عمومی (دولت)، بررسی می‌کردند. در میان کسانی که در قاره اروپا در تحول نظریه اقتصاد بخش عمومی یا دولت نقشی داشته‌اند، می‌توان از «دایت زل»^۱ و «واگنر»^۲ نام برد. دایت زل به نقش دولت در اقتصاد به عنوان ایجادکننده سرمایه اشاره می‌کند و اعتبارات دولت را عامل رشد اقتصادی می‌شناسد و واگنر که پیش‌از زمان خود در بیان گسترش نقش دولت شناخته شده است، فرمول و نظریه معروف توسعه فعالیت‌های اقتصادی دولت را بر اساس عوامل فنی - تمرکز جمعیت و شهرنشینی ارائه می‌کند (پژویان، ۱۳۹۶: ۱۶). بر اساس دیدگاه‌های این دو نظریه پرداز، می‌توان اهداف عمده اقتصادی دولت را در سه شاخه مشخص نمود: ۱. تخصیص منابع؛ دولت به دلایل اقتصادی ناشی از عدم تخصیص مؤثر منابع در یک سیستم اقتصاد بسته به دخالت می‌پردازد. این دخالت به صورت در اختیار گرفتن تولید و توزیع، قیمت‌گذاری، پرداخت یارانه و یا دریافت مالیات است. همچنین دولت باید مشخص کند که چه تغییرات و اصلاحاتی در تخصیص منابع لازم است و در جابجایی منابع چه کسی باید متحمل ضرر شود. ۲. توزیع درآمد؛ با توجه به اینکه باید به تعریفی برای تشخیص توزیع درآمد مناسب یا عادلانه نزدیک شد، دولت موظف است که در نیل به عدالت اجتماعی و فراهم نمودن اسباب توزیع درآمد در جهت کسب حداکثر رفاه اجتماعی تلاش کند. ۳. ثبات اقتصادی؛ یکی دیگر از اهداف کلی دولت، فراهم کردن کار برای همه و حفظ سطح مناسب قیمت‌ها و... است که این عوامل

^۱ Dietzel

^۲ Wagner

خود اسبابی برای رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شوند (پژویان، ۱۳۹۶: ۲۳). در نهایت می‌توان گفت که در طیف وسیع نظریات اقتصادی، اندازه و حجم دولت متفاوت است و هریک با توجه به فروض و نظریات خود حضور دولت در بازار را به صورتی توجیه می‌کنند که در هیچ کدام شکل و اندازه دولت یکسان نیست، اما همه آنان وجود دولت را در ایجاد یک محیط امن و حمایت از اقشار مختلف مردم در غالب یک نظام تأمین اجتماعی می‌پذیرند. در واقع، وجود یک سیستم حمایتی و یک نظام منسجم تأمین اجتماعی، لازمه هر جامعه با ثبات و قدرتمند امروزی است. از سوی دیگر هر جامعه‌ای که گام‌های اولیه رشد و توسعه را برمی‌دارد، به دلیل تغییر در توزیع منابع و امکانات جامعه با افزایش شکاف در توزیع درآمد مواجه می‌گردد و این امر می‌تواند میزان فقر را در جامعه افزایش دهد. در چنین شرایطی نیاز به حضور یک سیستم کارآمد تأمین اجتماعی و نظام حمایتی مناسب بیش از سایر کشورها احساس می‌شود تا با حمایت از اقشار تحت فشار و آسیب‌پذیر جامعه را از پیامدهای نامناسب اقتصادی و اجتماعی مصون نگه دارد (Andrson, ۱۳۳: ۲۰۱۵).

در نظام جمهوری اسلامی ایران در برنامه سوم توسعه اقتصادی از ماده ۳۷ تا ۴۸ به بررسی نظام مناسب تأمین اجتماعی و یارانه‌ها می‌پردازد. در واقع، معضل اصلی سیستم حمایتی در کشورهای در حال توسعه خصوصاً ایران عدم وجود یک برنامه منسجم و جامع تأمین اجتماعی است. در ایران بخشی از بیمه مربوط به بازنشستگی، بیکاری و کمک به خانوارها است و عمدتاً متوجه کارکنان رسمی و دولتی می‌شود. بخش قابل توجهی از سیستم حمایتی پس از آغاز جنگ به اجرا درآمد که از آن جمله می‌توان به یارانه کالاهای اساسی اشاره نمود. اساساً در دوران جنگ و حتی پس از آن به دلیل کاهش عرضه مواد غذایی، اقشار کم درآمد به شدت در تهیه این موارد دچار مشکل بودند و دولت نیز تحت چنین شرایطی برای حمایت از قشر کم درآمد ناگزیر به جیره‌بندی اقلام اساسی شد. پس از شروع جنگ، نظام حمایتی به صورت گسترده‌تری به کار گرفته شد، یارانه نان بدون هیچ‌گونه محدودیتی در مقدار مصرف ادامه یافت. کالاهای اساسی نیز با ارائه کالابریک مربوطه و پرداخت قیمت رسمی پایین‌تر از قیمت واقعی کالا دریافت می‌شد و در صورت نیاز بیشتر، مازاد مصرف آن‌ها در بازار با قیمت‌های آزاد تهیه می‌شد. از سوی دیگر، در این دوران به دلیل افزایش در هزینه‌های دفاعی کشور و کاهش درآمدهای ارزی، قیمت ارز در بازار داخل به شدت افزایش یافت و نرخ ارز رسمی نیز در سطح بسیار پایینی نسبت به نرخ بازار آزاد ارز قرار داشت. بدین ترتیب دولت علاوه بر پرداخت یارانه صریح به کالاهای اساسی و به کالاهای نهایی وارداتی و همچنین کالاهایی که در تولید آن‌ها نهاده‌های وارداتی با نرخ دولتی به کار گرفته می‌شوند، نیز یارانه ضمنی پرداخت می‌کرد (Thompson, 2015: 129).

بنابراین نوع پرداخت یارانه در ایران به دو صورت صریح و ضمنی بوده است. سیاست‌های پرداخت یارانه و سهمیه‌بندی کالاهای اساسی با هدف حمایت از مصرف‌کننده در خرید کالاهای معینی است که در واقع توزیع مجدد درآمدها را نیز مدنظر دارد. در این راستا، سیاست‌های مختلف حمایتی مانند سهمیه‌بندی و یارانه لزوماً توزیع عادلانه‌تر درآمد را به همراه نمی‌آورد، زیرا زمانی که یارانه به صورت باز همچون کشور ایران ارائه می‌شود، تمامی اقشار جامعه از آن بهره‌مند می‌گردند و هزینه‌های زیادی را به دولت تحمیل می‌کند. روی هم رفته می‌توان نتیجه گرفت که مهم‌ترین وجه افتراق طرح هدفمندسازی یارانه‌ها که در ایران در حال اجراست با نظریات مکاتب اقتصادی، در این است که پیروان و بنیان‌گذاران این مکتب اقتصادی که نظریات آنها هم‌اکنون به طور گسترده‌ای از اقبال دولت‌ها برخوردار شده

است، اعتقاد عمیقی به اصالت فرد داشته و اصولاً دخالت دولت در اقتصاد را بر نمی‌تابند و آن را مخل امنیت اقتصادی و باعث افزایش فساد می‌دانند (تودارو، ۱۳۹۶: ۲۵۲).

در این پژوهش تأثیر طرح هدفمند کردن یارانه‌ها بر سبد مصرفی خانوار با هدف تحلیل آن در چارچوب اقتصاد مقاومتی بررسی شده است. ابعاد مورد بررسی متغیر وابسته (یارانه)، در این پژوهش عبارتند از:

۱. رفتار مصرفی
۲. سبد بودجه و هزینه خانوار
۳. رضایت‌مندی از تأمین نیازها
۴. سطح رفاه خانوار

که در ادامه به تشریح آن‌ها پرداخته خواهد شد.

پیشینه مطالعه واژه مصرف به عنوان مقوله‌ای اقتصادی-اجتماعی به اواخر قرن ۱۹ میلادی و آغاز قرن ۲۰ بازمی‌گردد. پیش از این، مصرف مقوله‌ای صرفاً اقتصادی شمرده می‌شد و فقط از همین منظر مورد توجه قرار می‌گرفت. در این دوره است که برای اولین بار مصرف یا به عبارت دقیق‌تر شیوه مصرف کردن به منزله پدیده‌ای مرتبط با فرهنگ و جهان‌بینی خاص توسط ماکس وبر مورد توجه قرار می‌گیرد. وبر بر این نظر بود که پاراسایی پروتستان‌ها و پرهیز آنان از مصرف تجملی، آن عاملی بود که علاوه بر دانش فنی و امکانات ساماندهی عقلانی تولید، زمینه‌های انباشت سرمایه‌هایی را فراهم کرد و تولید سرمایه‌دارانه در بخشی از اروپا ممکن شد. برشمردن تأثیر یک عامل فرهنگی بر نظم اقتصادی و اجتماعی، خود چشم‌انداز جدیدی را در مطالعات جامعه‌شناسی گشود. مقارن با همین دوره است که دو مطالعه مهم دیگر در زمینه شیوه مصرف، یکی درباره جایگاه مصرف نزد مصرف‌کنندگان کلان‌شهرها (زیمل) و دیگری در ارتباط با نحوه استفاده طبقه مرفه جدید آمریکایی از مصرف برای تعیین هویت اجتماعی خویش (وبلن) منتشر شد (یوسفی، ۱۳۸۹: ۵۷). در واقع در قرن هجدهم، با شروع مراحل اولیه صنعتی شدن، سرمایه‌داری مصرفی نیز شکل گرفت. در نتیجه، بازارهای مصرفی داخلی با روندی فزاینده رشد کردند و به دنبال آن، کالاهای جدید و گزینه‌های انتخاب بیشتری برای مصرف‌کننده به وجود آمد. این انقلاب جدید در مصرف، خرید مردم از خرده‌فروشی‌ها را که به سرعت در حال رشد بودند، متنوع‌تر کرد. با رشد صنعتی شدن در طول قرن نوزدهم، ثروت بیشتری بین مردم و اقشار جامعه توزیع شد؛ به طوری که سرمایه‌داری صنعتی کم‌کم اقتصاد اجتماعی اروپای غربی و آمریکای شمالی را تحت نفوذ خود درآورد. فراوانی و رونق، الگوهای مصرف را تغییر داد و نقش اساسی‌تری را در زندگی مردم ایفا کرد و این فرصت را به مردم داد تا خود را از طبقات دیگر اجتماع متمایز کنند. با به دست آوردن ثروت، طبقات میانه و بالاتر نوظهور در آمریکای شمالی، کم‌کم به تقلید از سبک زندگی نجبگان بریتانیایی و اروپاییان پرداختند. در متون اقتصادی کینز تمایل به مصرف، محصول افزایش درآمد است و به نسبت‌های متفاوت به طبقات میانه و بالاتر اجازه ثروت‌اندوزی می‌دهد؛ اگرچه لزوماً میزان این تمایل به مصرف یکی نیست (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶). محققان علم اقتصاد در دهه اول قرن ۱۹ با پذیرش این واقعیت که مصرف نه تنها یک فعالیت اقتصادی، بلکه فعالیتی اجتماعی و فرهنگی است،

۴. Max Weber

۵. Simmel

۶. Veblen

به شیوه‌هایی علاقه مند شدند که مصرف را در جامعه و در زمینه‌های مختلف فرهنگی نشان می‌داد. از این میان، استراتژی بازاریابی سبک زندگی، تلاش می‌کند تا با متناسب کردن یک محصول آنرا در الگوی مصرف مردم جای دهد (Ivanova, et al, 2015: 529).

خرید کالا و خدمت بوسیله مصرف کننده هنگامی امکان‌پذیر است که دارای درآمد یا قدرت خرید باشد. در اقتصاد خرد، آن قسمت از درآمد یا قدرت خرید مصرف کننده که صرف خرید کالا و خدمت می‌شود، سبد بودجه نام دارد (تقوی، ۱۳۹۶: ۷۵). چگونگی تخصیص مخارج یک خانوار میان کالاها و خدمات و یا گروهی از کالاها و خدمات در یک دوره زمانی خاص، اطلاعات بودجه خانوار را تشکیل می‌دهد. امروزه در مطالعات مربوط به بودجه بر خلاف مطالعات اولیه که توجه به درآمد بود، مخارج و هزینه‌ها حائز اهمیت است؛ زیرا اطلاعات مربوط به درآمد نسبت به اطلاعات مربوط به مخارج حساسیت بالاتری داشته و در گزارش‌های ارائه شده از دقت کمتری برخوردار است. یک واحد خانوار نیز، از اعضای خانوار و سایر افراد سهم در خوراک و مسکن تشکیل شده است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷).

بنابراین، سبد هزینه خانوار شاخصی اقتصادی است که بیانگر میزان برخورداری افراد جامعه از امکانات مادی و کالاها و خدمات در دسترس است. در واقع، ارزش پولی کالا یا خدمت تهیه شده توسط خانوا، به منظور مصرف اعضا یا هدیه به دیگران را هزینه خانوار می‌نامند. کالا یا خدمت تهیه شده، می‌تواند از طریق خرید، تولید خانگی، در برابر خدمت، از محل کسب و مجانی در اختیار خانوار قرار بگیرد که به صورت پولی برآورد شده و جزء هزینه‌های خانوار منظور گردد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵: ۶). این مفهوم در سطح خرد با دخل و خرج خانوار ارتباط دارد و در مجموع کیفیت زندگی افراد را رقم می‌زند؛ بدین صورت که سبک زندگی هر خانواری متأثر از سبد هزینه‌های صورت گرفته آن خانوار در یک مدت معین است. نحوه دخل و خرج در خانواده از شاخص‌هایی نظیر میزان درآمد و دارایی‌ها، سبک زندگی، طبقه اجتماعی، باورها و نگرش‌ها، شرایط اجتماعی - فرهنگی و ... تأثیر می‌پذیرد و رابطه تنگاتنگ و علی و معلولی را ترسیم می‌کند. تخصیص درآمد خانوار به هزینه‌های اولیه و ثانویه که از خوراک، پوشاک و مسکن تا هزینه‌های رفاهی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد، بیش از آنکه با وضعیت اقتصادی خانوار مرتبط باشد، تابع شرایط و مؤلفه‌های غیراقتصادی است. با توجه به مطالب فوق در ارتباط با سبد بودجه، اهمیت این مسئله آشکار می‌شود که انتخاب کالاها در سبد مصرفی خانوار، نتیجه یک انتخاب شرطی است که خانوار با توجه به محدودیت بودجه‌ای و مطلوبیت حاصل از آن کالا و هم چنین الگوی ترجیحات خود آنرا انتخاب می‌نماید. این ترکیب می‌تواند با تغییر در هر یک از عوامل فوق تغییر نماید.

رضایت‌مندی از زندگی بیانگر میزان برآورده شدن و ارضای تمایلات و نیازهای اساسی انسان‌ها است و از این طریق مفهوم رضایت‌مندی با مفهوم نیاز مرتبط می‌شود. به همین جهت می‌توان گفت، رضایت‌مندی از زندگی یکی از واکنش‌های اساسی انسان در برابر امکانات زندگی است که از انگیزش‌ها، نیازها، انتظارات و آرمان‌های او ناشی می‌شود (کجباف، ۱۳۹۳: ۳۸). بنابراین، از آنجا که نیازها و انتظارات متنوع و بسیار گوناگون هستند و سطوح گوناگونی دارند، رضایت نیز بسیار متنوع است و از سطوح گوناگونی برخوردار است؛ چراکه سطح برآورده شدن نیازها و نوع نیاز برآورده شده و جایگاه آن در مجموع نیازهای افراد و میزان خشنودی درونی که ایجاد می‌کند، در شکل‌گیری

رضایت فرد نقش بسیاری ایفا می‌نماید. با توجه به ماهیت رضایت از زندگی که ریشه در ارضای نیازهای اساسی انسان دارد، توجه به نظریه‌های نیاز ضروری می‌نماید؛ در این زمینه، نظریه سلسله مراتب نیازهای «آبراهام مازلو»^۷ مبنای بسیاری از مباحث قرار گرفته است. دسته‌بندی او از نیازهای اساسی انسان برای تعیین نیازهای اصلی در قلمروهای مختلف زندگی مکرر به کار گرفته شده است. مازلو معتقد بود که «در تمامی انسان‌ها گرایشی برای تحقق خود هست... انگیزه آدمی، نیازهایی مشترک و فطری است که در سلسله‌مراتبی از نیرومندترین تا ضعیف‌ترین نیاز قرار می‌گیرد» (محسنی و صالحی، ۱۳۹۱: ۱۴). بر همین اساس او معتقد بود که هر نیاز پیش‌بینی نیاز دیگر است و برای پاسخگویی به نیازهای بالاتر باید نیازهای پایین‌تر برآورده شود تا فرد در نهایت به تحقق خویشتن و خود شکوفایی نائل شود. این نیازها در ۵ گروه دسته‌بندی می‌شوند: نیازهای فیزیولوژیک، نیاز به ایمنی، نیازهای اجتماعی، نیاز به احترام یا صیانت ذات، نیاز به خودشکوفایی (Rennie, 2008: 446). اگر نیازهای فیزیولوژیک در حد مقبول و نسبتاً خوبی ارضاء شوند، مجموعه نیازهای جدیدی شکل می‌گیرند که مازلو به عنوان ایمنی از آنها یاد کرده است. وی این مجموعه را شامل امنیت، ثبات، وابستگی، حمایت، رهایی از ترس، رهایی از نگرانی و آشفتگی، نیاز به سازمان، قانون، محدودیت و داشتن حامی مقتدر می‌داند.

بررسی متون مرتبط با اقتصاد نشان می‌دهد که رفاه و بهزیستی تنها به اقشار آسیب‌پذیر و یا گروه خاصی از افراد جامعه محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است. یکی از ویژگی‌های مهم رفاه اجتماعی آن است که فرد از احساس سلامت، امنیت و سرزندگی برخوردار باشد. بنابراین، رفاه اجتماعی در هر جامعه از اساسی‌ترین نیازهای اجتماعی است که افراد جامعه باید از آن برخوردار باشند. رفاه باعث خلق امنیت، احساس آرامش و اطمینان همه جانبه نسبت به حال و آینده است. امروزه با شکل گرفتن نهادهای جدید رفاهی توسط دولت مردان می‌توان یاد آور شد که رفاه اجتماعی تا حد زیادی توسط دولت‌ها برقرار می‌شود. در واقع یکی از وظایف اصلی هر دولتی تأمین رفاه شهروندان است. برای شکل‌گیری شکوفایی اقتصادی، سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی و هر فعالیت اجتماعی دیگر به حداقل زمینه مطمئن و آرام نیاز است که وجود این نوع از امنیت نشان دهنده وجود رفاه در جامعه است. بدین ترتیب رفاه عملاً در زمره اهداف و ارزش‌های اصولی و لازمه هر جامعه‌ای قرار می‌گیرد (Miller, 2014: 56).

رفاه اجتماعی مفهومی بسیار پیچیده است که به عنوان مفهوم و واقعیتی اقتصادی-اجتماعی، لایه‌های زیادی را به دور هسته اصلی خود در بر گرفته است. این چندلایگی در واقع بسیاری از متفکرین را به این نتیجه رهنمون شده است که یافتن تعریف قطعی و بدون چون و چرا برای رفاه بسیار دشوار بوده و به عبارتی دیگر به ارائه تعاریفی نسبی از آن تن در داده‌اند. این تعاریف نسبی گویای این واقعیت هستند که واقعیت رفاه اجتماعی (در عین اینکه هم جنبه فردی و هم جمعی، هم ذهنی و هم عینی دارد)، خصلتی پویا و متحول داشته و متناسب با تغییرات به وجود آمده در جوامع و رشد انتظارات و نیازها دگرگون می‌شود. با همه این اوضاع و مشکلاتی که بر سر اجتماع تعریف رفاه وجود دارد، اما وجود رفاه اجتماعی یک واقعیت لازم و ضروری برای هر اجتماع محسوب می‌شود.

یکی از پایه‌های فلسفی درباره رفاه اجتماعی به «نظریه اخلاقی دولت» هگل باز می‌گردد. بر مبنای این نظریه، وظیفه اخلاقی دولت، حفظ امنیت و ایجاد اعتماد عمومی در جامعه در جهت حفظ منافع یکایک افراد جامعه است و «عدالت»

^۷ Abraham Maslow

نیز در این زمینه نقش بسزایی بر عهده دارد؛ و زمانی که عدالت، بعد اجتماعی به خود می‌گیرد، احساس امنیت و رفاه در افراد جامعه رو به پایداری می‌رود. این تلقی در مباحث مرتبط با اقتصاد رفاه نیز به خوبی مشهود است؛ چرا که اقتصاد رفاه می‌تواند اساساً با بذل توجه بیشتری به اخلاق تقویت گردد» (رحیمی کلانتری، ۱۳۹۲: ۳۴). تابع رفاه اجتماعی عبارت از تابعی جمع‌پذیر است که این تابع مجموع وزنی مطلوبیت‌های افراد در جامعه است. به دلیل این که وزن‌های مربوط به مطلوبیت کسب شده از سوی افراد مساوی نبوده و توابع مطلوبیت افراد متفاوت است، توزیع مصرف کالاها نیز در شرایط حداکثر رفاه برابر نیست و حداکثر کردن رفاه اجتماعی منوط به آن است که اشخاص مقادیر متفاوتی مصرف کنند و رضایت خاطر متفاوتی از سطوح مطلوبیت کل به دست آورند (تقوی، ۱۳۹۶: ۱۴۷). با توجه به آنچه گفته شد، سطح رفاه خانوار را می‌توان به سه بعد تقسیم کرد: احساس رضایت از زندگی، ارزیابی از رفاه با توجه به وضعیت فردی خود و ارزیابی از رفاه با توجه به مقایسه خود با دیگران.

روش‌شناسی

تحقیق حاضر از نظر ماهیت کاربردی و از نظر روش، پیمایشی است. برای سنجش ابعاد اقتصادی طرح هدفمندسازی یارانه‌ها از پرسش‌نامه‌ای با ۳۴ گویه استفاده شده است. ابعاد اقتصادی هدفمندسازی یارانه‌ها در تحقیق حاضر عبارتند از؛ رفتار مصرفی خانوار، سبد بودجه و هزینه‌ی خانوار، رضایت‌مندی از تأمین نیازها و سطح رفاه خانوار قبل و بعد از اجرای طرح. جامعه‌ی آماری تحقیق نیز تمام خانوارهای شهر ری در سال آماری ۱۳۹۸ است که با استفاده از نمونه‌گیری سیستماتیک تعداد ۱۶۳ سرپرست خانوار به‌عنوان نمونه‌ی تحقیق انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده است. همچنین مقایسه‌ی متغیر وابسته تحقیق در دو مقطع زمانی با جامعه آماری یکسان انجام گرفته است تا مشخص شود آیا ابعاد متغیر وابسته، قبل از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها با بعد از آن تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. از آزمون t (دو نمونه وابسته) به بررسی تفاوت میانگین نمونه آماری موردنظر در دو مقطع زمانی استفاده شده است. همچنین در این پژوهش برای سنجش پایایی داده‌ها از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است (جدول ۱).

جدول ۱. شاخص‌ها، تعداد گویه‌ها و ضریب آلفای کرونباخ تحقیق

شاخص	تعداد گویه	ضریب آلفا (قبل از اجرای طرح)	ضریب آلفا (بعد از اجرای طرح)
رفتار مصرفی	۸	۰/۷۲	۰/۷۵
سبد بودجه و هزینه	۸	۰/۷۱	۰/۷۳
رضایت‌مندی	۷	۰/۷۸	۰/۸۳
سطح رفاه	۱۱	۰/۹۰	۰/۸۹

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

یافته‌های تحقیق**بررسی ابعاد اقتصادی طرح هدفمندسازی یارانه‌ها در فضای پیرامونی شهری**

برای سنجش ابعاد اقتصادی طرح هدفمندسازی یارانه‌ها، چهار شاخص رفتار مصرفی خانوار، سبد بودجه و هزینه‌ی خانوار، رضایت‌مندی از تأمین نیازها و سطح رفاه خانوار، هر کدام در دو بازه زمانی پیش و پس از اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها بررسی می‌شود. داده‌های به‌دست آمده از این بررسی به عنوان مبنایی برای تحلیل اثرگذاری مثبت یا منفی طرح هدفمندسازی یارانه‌ها بر فضای پیرامونی خواهد بود.

جدول ۲. نتایج آزمون t در رابطه با مقایسه رفتار مصرفی خانوارها در دو بازه زمانی قبل و بعد از اجرای طرح هدفمندسازی**یارانه‌ها**

آزمون آماری	خطای معیار میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	رفتار مصرفی
t= ۱۸/۱۵	۰/۳۶۵	۳/۶۴۸	۱۹/۷۳	۱۶۳	قبل از اجرای طرح
Sig=۰/۰۰۰	۰/۴۴۰	۴/۳۹۶	۱۶/۱۵	۱۶۳	بعد از اجرای طرح

بررسی آماری حاکی از آن است که میانگین میزان خرید و مصرف کالاها و خدمات سبد مصرفی، توسط نمونه مورد مطالعه، بعد از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، برابر با ۱۶/۱۵ می‌باشد؛ در حالی که این رقم قبل از اجرای طرح برابر با ۱۹/۷۳ بوده است. هم چنین مقدار آزمون آماری (t=۱۸/۱۵) و سطح معناداری حاصل مورد پذیرش است (Sig= ۰/۰۰۰). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میزان خرید و مصرف خانوارهای مورد مطالعه، بعد از اجرای طرح، نسبت به قبل از آن، کاهش یافته است و وجود تفاوت معنادار میان رفتار مصرفی خانوارها، بعد از اجرای طرح نسبت به قبل از اجرا، تأیید می‌شود.

جدول ۳. نتایج آزمون t در رابطه با مقایسه سبد بودجه و هزینه خانوارها در دو بازه زمانی قبل و بعد از اجرای طرح**هدفمندسازی یارانه‌ها**

آزمون آماری	خطای معیار میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	سبد بودجه و هزینه
t=14.86	۰/۳۷۰	۳/۶۹	۱۸/۳۴	۱۶۳	قبل از اجرای طرح
Sig=0/000	۰/۴۵۰	۴/۴۹	۱۴/۱۱	۱۶۳	بعد از اجرای طرح

بررسی‌های آماری حاکی از آن است که میانگین میزان مخارج هزینه شده برای تهیه کالاها و خدمات سبد مصرفی، توسط خانوارهای مورد مطالعه بعد از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، برابر با ۱۴/۱۱ می‌باشد، در حالی که این رقم قبل از اجرای طرح برابر با ۱۸/۳۴ بوده است. هم چنین مقدار آزمون آماری (t=14.86) و سطح معناداری حاصل مورد پذیرش است (Sig= ۰/۰۰۰).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میزان بودجه خانوارهای مورد مطالعه برای تهیه کالاها و خدمات سبد مصرفی خانوار، بعد از اجرای طرح، نسبت به قبل از آن کاهش داشته است. هر چند با اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، درآمد

خانوارهای مورد مطالعه را افزایش داده است، اما وجود تفاوت معنادار بین سبد بودجه و هزینه خانوارهای جامعه مورد مطالعه در دو مقطع زمانی قبل و بعد از اجرای طرح، نشان می‌دهد که این افزایش در ازای کاهش سبد مصرف خانوار رخ داده است.

جدول ۴. نتایج آزمون t در رابطه با مقایسه میزان رضایت‌مندی خانوارها از تأمین نیازهایشان در دو بازه زمانی قبل و بعد از

اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها

رضایت‌مندی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	آزمون آماری
قبل از اجرای طرح	۱۶۳	۱۸/۰۳	۳/۵۳	۰/۳۵۴	t=17.75
بعد از اجرای طرح	۱۶۳	۱۵/۲۸	۳/۹۹	۰/۳۹۹	Sig=0/000

بررسی‌های آماری حاکی از آن است که میانگین رضایت‌مندی خانوارهای مورد مطالعه قبل از اجرای طرح برابر با ۱۸/۰۳ و بعد از اجرای طرح برابر با ۱۵/۲۸ است. همچنین مقدار آزمون آماری (t=17.75) و سطح معناداری حاصل مورد پذیرش است (sig= ۰/۰۰۰). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میزان رضایت خانوارهای جامعه مورد مطالعه از تأمین نیازهایشان، بعد از اجرای طرح، نسبت به قبل از آن، تقلیل یافته است و متعاقب آن وجود تفاوت معنادار میان میزان رضایت‌مندی خانوارها از تأمین نیازهایشان در دو بازه زمانی قبل و بعد از اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها تأیید می‌شود.

جدول ۵. نتایج آزمون t در رابطه با مقایسه سطح رفاه خانوارها در دو بازه زمانی قبل و بعد از اجرای طرح هدفمندسازی

یارانه‌ها

وضعیت رفاهی خانوار	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار میانگین	آزمون آماری
قبل از اجرای طرح	۱۶۳	۳۰/۴۰	۷/۴۶	۰/۷۴۶	t=21.53
بعد از اجرای طرح	۱۶۳	۳۰/۴۷	۶/۸۸	۰/۶۸۸	Sig=0/000

تحلیل داده‌های آماری جدول فوق، حاکی از آن است که میانگین سطح رفاهی خانوارهای مورد مطالعه، قبل از اجرای طرح برابر با ۳۰/۴۰ و بعد از اجرای طرح برابر با ۳۰/۴۷ است. همچنین مقدار آزمون آماری (t=21.53) و سطح معناداری حاصل مورد پذیرش است (sig= ۰/۰۰۰). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت رفاه و بهزیستی خانوارهای مورد مطالعه، بعد از اجرای طرح در مقایسه با قبل از اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها، افزایش قابل ملاحظه‌ای نداشته است.

جدول ۶. نتایج آزمون t در رابطه با مقایسه سبد مصرفی خانوار در دو بازه زمانی قبل و بعد از اجرای طرح هدفمندسازی

یارانه‌ها

آزمون آماری	خطای معیار میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	سبد مصرفی خانوار
t=22.11	۱/۴۸	۱۴/۸۳	۸۷/۵۰	۱۶۳	قبل از اجرای طرح
Sig=۰/۰۰۰	۱/۶۲	۱۵/۱۹	۸۴/۰۱	۱۶۳	بعد از اجرای طرح

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که میانگین خرید و مصرف کالاهای سبد مصرفی خانوار، میانگین مخارج هزینه شده برای تهیه کالاهای سبد مصرفی خانوار، میانگین میزان رضایت‌مندی خانوارها از تأمین نیازهایشان و همچنین میانگین سطح رفاه و بهزیستی خانوارها که همگی ابعاد سبد مصرفی خانوار می‌باشند، قبل از اجرای طرح برابر با ۸۷/۵۰ و بعد از اجرای طرح برابر با ۸۴/۰۱ است. هم چنین مقدار آزمون آماری (t=22.11) و سطح معناداری حاصل مورد پذیرش است (sig=۰/۰۰۰).

همچنان که یافته‌های پژوهش نشان داد، ابعاد اقتصادی طرح هدفمندسازی یارانه‌ها در چهار بعد رفتار مصرفی خانوار، سبد بودجه و هزینه‌ی خانوار، رضایت‌مندی از تأمین نیازها و سطح رفاه خانوار، نتوانسته است بودجه هزینه‌ها و بودجه درآمدی خانوارها را متعادل کند. افت کمی هر کدام از چهار شاخص اقتصادی خانوارها به میزان ۲۰ تا ۳۰ درصد پس از اجرایی شدن طرح هدفمندسازی یارانه‌ها، نشان می‌دهد که هدایت‌گری هزینه‌های عمومی دولت که با حذف یارانه‌ها صورت گرفت، به بخش‌های تولیدی-بازاری اثرات مثبت بر سبد درآمد خانوارها را در پی نداشته است. این امر، نشان می‌دهد که برخلاف اهداف اولیه‌ی اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، نسبت میان درآمد و هزینه‌ی خانوارها تنظیم نشده است. عدم تناسب میان سبد هزینه‌ها و سبد درآمدی خانوارها نشان می‌دهد که چابک‌سازی تولید به منظور گریز از نرخ تورم و منعطف‌سازی اقتصاد برای مقاوم ماندن در برابر جریان‌های خارجی، مسیر موفق‌تری را طی نکرده است. این در حالی است که اقتصاد مقاومتی، اقتصادی را ترسیم می‌کند که توانایی مقابله با تکان‌های وارده بر اقتصاد را دارد. چنین اقتصادی باید قابلیت انعطاف در شرایط مختلف و توانایی عبور از بحران را داشته باشد. به همین منظور، اقتصاد مقاومتی بر نوعی از کنش‌های اقتصادی تأکید می‌کند که در برابر موانع و مشکلات داخلی و خارجی، پایداری کند (طغیانی و درخشان، ۱۳۹۳: ۱۱۷). اهمیت اقتصاد مقاومتی از آنجا ناشی می‌شود که در چندسال اخیر و با شت یافتن تحریم‌ها، استراتژی‌هایی برای کاهش مخاطرات اقتصادی کشور و دستیابی به توسعه پایدار را در پیش گرفته است (کریمی اعتماد و یعقوبی، ۱۳۹۵: ۲۱). این استراتژی‌ها را می‌توان با نام اقتصاد مقاومتی مطرح کرد؛ چراکه این نوع از اقتصاد با اتکاء بر توانمندی‌های راهبردی درونی، به دنبال کاستن از تاثیر نوسانات محیط بیرونی بر کشور است. مقدمه توجیهی لایحه قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، هدف از اجرای این طرح را مواردی چون بهبود توزیع درآمد، کاهش و بهره‌وری مصرف حامل‌های انرژی، کاهش قاچاق حامل‌های انرژی و اصلاح کارایی اقتصادی عنوان داشته و دولت دهم تا پایان زمان کاری خود بر پیگیری این اهداف و وصول به موفقیت در آنها تأکید داشت. این در حالی است تخلفات اجرایی و تبعات اجرای قانون در دو سال نخست (مانند افزایش نرخ تورم، گسیختگی در بازار ارز و افزایش شدید قیمت‌ها) مجلس شورای اسلامی را به واکنش واداشت و در نتیجه دولت دهم علی‌رغم تلاش بسیار تا پایان دوره کاری خود موفق به کسب مجوز اجرای فاز دوم نگرديد (مصلی نژاد و یزدانی زازرانی، ۱۳۹۱: ۷). مشابهت

اهداف، گزاره‌ها و الگوهای اقتصاد مقاومتی با یافته‌های حاصل از تحقیق حاضر درباره ابعاد اقتصادی طرح هدفمندسازی یارانه‌ها، نشانگر آن است که در زمینه توزیع درآمد علی‌رغم بهبود شاخص جینی و سهم مصرف‌دهک‌های بالا و پایین، کاهش در سایر شاخص‌های مؤثر بر توزیع درآمد (تورم، نقدینگی، رشد اقتصادی، بیکاری و غیره) نتیجه به‌دست آمده را خنثی کرده است. در زمینه کاهش قاچاق و کاهش مصرف و بهره‌وری حامل‌های انرژی نیز تغییرات مثبتی را مشاهده نمی‌شود. از این رو، به‌نظر می‌رسد طرح هدفمندسازی یارانه‌ها دست‌کم به آن صورت که امروزه پیگیری می‌شود، تضادهای راهبردی و موانع ساختاری را تولید می‌کند که نتیجه آن، کاستن از کارآمدی کارکردی و ساختاری اقتصاد مقاومتی است (جدول ۷).

جدول ۷. مقایسه اهداف و گزاره‌های محقق شده طرح هدفمندسازی یارانه‌ها با الگوهای اقتصاد مقاومتی

طرح هدفمندسازی یارانه	
گزاره‌ها	رویکرد نسبت به الگوهای اقتصاد مقاومتی
افزایش حجم نقدینگی و تورم تولیدی-بازاری	منفی
تأثیرگذار بر روند افزایش گسست میان سبد هزینه و درآمد خانوارها	منفی
افزایش مصرف و تغییر نامحسوس در کیفیت تولیدات	منفی
توزیع درآمد سهم مصرف‌دهک‌های بالا و پایین	منفی
کاهش هزینه‌های جاری دولت و افزایش هزینه‌های عمرانی-تولیدی	منفی
کاهش ۲۰ تا ۳۰ درصدی رفتار مصرفی خانوار، سبد بودجه و هزینه‌ی خانوار، رضایت-مندی از تأمین نیازها و سطح رفاه خانوار پس از اجرایی شدن طرح هدفمندسازی	منفی

نتیجه‌گیری

طرح هدفمندسازی یارانه‌ها به‌صورت آرمانی یکی از الگوهای راهبردی اقتصادی-سیاسی است که می‌تواند با اصول اقتصاد مقاومتی سازگاری داشته باشد. مجموعه‌ی اهداف و برون‌دادهایی که در قانون برای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها ذکر شده است، با پایه‌های استراتژیک اقتصاد مقاومتی همخوانی دارد. با این حال، با گذشت نزدیک به یک دهه از اجرای این طرح، آنچه به‌عنوان دستاورد محسوس و عملی مشاهده می‌شود، افزایش نرخ تورم، گسیختگی در بازار ارز و افزایش شدید قیمت‌ها بود. همچنانکه یافته‌های پژوهش حاضر نیز نشان داد، چهار بعد اقتصادی طرح هدفمندسازی یارانه‌ها شامل رفتار مصرفی خانوار، سبد بودجه و هزینه‌ی خانوار، رضایت‌مندی از تأمین نیازها و سطح رفاه خانوار پس از اجرایی شدن طرح در مقایسه با بازه زمانی قبل از آن، افزایش قابل ملاحظه‌ای نداشته است؛ به‌گونه‌ای که میانگین میزان خرید و مصرف کالاها و خدمات سبد مصرفی، توسط نمونه مورد مطالعه، بعد از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، از مقدار ۱۹/۷۳ در قبل از اجرایی شدن طرح هدفمندی یارانه‌ها به ۱۶/۱۵ بعد از اجرایی شدن آن رسیده است. همچنین، میانگین میزان مخارج هزینه شده برای تهیه کالاها و خدمات سبد مصرفی، توسط خانوارهای مورد مطالعه بعد از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، برابر با ۱۴/۱۱ بوده؛ در حالی که این رقم قبل از اجرای طرح برابر با ۱۸/۳۴ بوده است. همچنین، شاخص میانگین رضایت‌مندی خانوارهای مورد مطالعه قبل از اجرای طرح برابر با ۱۸/۰۳ و بعد از اجرای طرح برابر با ۱۵/۲۸ است. در نهایت، میانگین سطح رفاهی خانوارهای مورد مطالعه، قبل از اجرای طرح

برابر با ۳۰/۴۰ و بعد از اجرای طرح برابر با ۳۰/۴۷ بوده است. علاوه بر این، افزایش چند صد درصدی قیمت اقلام و کالاهای که با شیب تندی از سال ۱۳۸۸ به این سو حرکت کرد، گسست میان سبد هزینه و سبد درآمد خانوارها را افزایش داد. با افزایش گسست در دو سبد بودجه (درآمد) و هزینه (مخارج)، می‌توان دریافت که اهداف اولیه‌ی طرح هدفمندساز یارانه‌ها که تزریق و هدایت هزینه‌ای جاری دولت به سمت کنش‌های تولیدی-بازاری بود، محقق نشده است. این امر نشان می‌دهد که چابک‌سازی تولید، افزایش بهره‌وری بنگاه‌های تولیدی، منعطف کردن بازار و چالاکی نظام اقتصادی کشور که از استراتژی‌های مورد نظر در اقتصاد مقاومتی نیز به‌شمار می‌رود، محقق نشده است. از این رو، به نظر می‌رسد هدفمندسازی یارانه‌ها به‌تنهایی نمی‌تواند در راستای اهداف اقتصاد مقاومتی کشور که در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ آمده است، نزدیک‌تر نماید. در بند چهارم سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی آمده است: استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در راستای افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی. وابستگی اقتصاد به نفت، مصرف بی‌رویه فراورده‌های نفتی، مصرف‌زدگی، واردات کالاهای لوکس و مصرفی، عدم توجه به تولید داخلی از جمله مسائل مدیریتی مشترک در هدفمندسازی یارانه‌ها و اقتصاد مقاومتی است. هدفمندسازی یارانه‌ها به عنوان مهم‌ترین بخش طرح تحول اقتصادی در چند سال گذشته بیشترین توجه مردم و مسئولین را به خود جلب نموده است. از این منظر هدفمندسازی یارانه‌ها مهم‌ترین رکن طرح تحول اقتصادی بود که دولت نهم و دهم از آن دم می‌زد؛ زیرا اجتماعی‌ترین جزء طرح تحول است و اجرای موفق این طرح، اقتصاد بیمارگونه کشور را نجات می‌دهد و زمینه‌ها و بسترهای لازم برای سالم‌سازی و بهبود اقتصاد ایران در همه حیطه‌ها و به‌ویژه اقتصاد مقاومتی را فراهم می‌سازد. با این حال، رویکرد غیر علمی به این طرح ملی، شرایطی را فراهم آورده است که طرح تحول با شکست مواجه شده و این می‌تواند برای کشور هزینه‌های فراوانی را داشته باشد. سوابق طرح هدفمندسازی یارانه‌ها نشان می‌دهد که این طرح یک طرح ملی و برنامه نظام اسلامی طی سال‌های گذشته برای اصلاح ساختار اقتصادی کشور بوده است اجرای آن یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر ارزیابی شده است. در این میان آنچه باید مورد توجه ویژه قرار گیرد نقش دستگاه‌های نظارتی و تعزیراتی جهت کنترل و تثبیت بازار اقتصادی است؛ نقش نمایندگان مجلس نیز در اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی و نظارت، بسیار مهم جلوه می‌کند. ارتقاء سطح معیشتی مردم، گسترش عدالت اجتماعی و اقتصادی، بهبود فرآیندهای تولید و ... از جمله اهداف هدفمندسازی یارانه‌ها در فضاهای پیراشهری و مستضعف است که به‌نظر می‌رسد روند اجرایی هدفمندسازی یارانه‌ها تاکنون کارآمدی چندانی در این زمینه نداشته است.

نتایج این تحقیق با تحقیق صنعتی و تدین (۱۳۹۶) مطابقت دارد. همچنانکه این نویسندگان نیز تأکید کرده‌اند، هدفمندسازی یارانه‌ها باید به موازات اصلاحات ساختاری در زمینه اقتصاد همراه باشد و بدون در نظر داشت چنین اصلاحاتی، هدفمندسازی یارانه‌ها می‌تواند به عنصری در تقابل با اقتصاد مقاومتی قرار گیرد. با این حال، نتایج این تحقیق با تحقیق دل‌انگیزان و مظفری (۱۳۹۴) ناهمسو است. تحقیق دل‌انگیزان و مظفری (۱۳۹۴) به این نتیجه دست یافته است که هدفمندی یارانه‌ها به ویژه در عرصه انرژی، دارای آثار مثبت اقتصادی و زیست‌محیطی است و موجب تقویت عرصه تولید می‌شود. در ابتدای اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها به نظر می‌رسید به دلیل آن که قیمت انرژی در ایران بسیار ارزان‌تر از قیمت‌های جهانی است و افزایش قیمت حامل‌هایی همچون بنزین و گازوئیل از یک سو موجب اصلاح

الگوی مصرف و از سوی دیگر موجب کاهش قاچاق آنها به خارج از کشور می‌شود. هزینه‌های تولید و عرضه محصولاتی مانند برق، گاز ایجاب می‌کند برای حفظ عدالت اجتماعی از یک سو و کاهش فشارهای اقتصادی از سوی دیگر تقریباً دو سوم هزینه‌های یاد شده را دولت تحت عنوان یارانه متحمل می‌شد یا به زبان دیگر تفاوت بهای تمام شده حقیقی کالا یا خدمات که توسط دولت تعدیل می‌گردید سهم دولت نامیده می‌شود؛ لذا برای دستیابی به عدالت اجتماعی دولت برای رفاه حال عمومی مردم، به‌ویژه قشرهای کم درآمد یا فاقد درآمد در فضاهای پیراشهری، یارانه پرداخت نمود و یا حقوق و درآمد قشرهای کم درآمد و یا فاقد درآمد را به حدی می‌رساند که توان تهیه مایحتاج خود را نسبت به قیمت تمام شده کالا و خدمات مورد نیاز داشته باشند.

بر پایه‌ی یافته‌های تحقیق، پیشنهاد می‌شود که روش‌های تخصیصی دولت اصلاح گردد که این امر در حال حاضر با جراحی اقتصادی و اجرای اقتصاد مقاومتی تحقق خواهد یافت که اساس آن در راستای هدفمندسازی یارانه‌ها به منظور کاهش فقر و افزایش کارایی در فضاهای حاشیه‌ای و پیرامونی (پیراشهرها) است. طرح هدفمندسازی یارانه در صورتی که بخواهد با موفقیت همراه باشد و در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی گام بردارد، می‌بایست روی مسائل اقتصادی از جنبه ساختاری و نیز فضاهای کم برخوردار یا محروم دست گذاشته و برای تغییر روند غیرعلمی گذشته برنامه‌ریزی نماید. از سوی دیگر، از جمله موضوعاتی که هدفمندسازی یارانه‌ها به دنبال آن بود، کاهش رانت خواری و فساد در سیستم اداری و اقتصاد کشور می‌باشد. از دیگر سو، با شدت گرفتن تحریم‌ها در چند سال گذشته می‌توان گفت فساد اداری و اقتصادی با هدف دور زدن تحریم‌ها نیز گسترش یافته است. از این رو، هدفمندی یارانه‌ها و اقتصاد مقاومتی در صورتی کارآمد خواهد شد که روند شفافیت‌سازی در عرصه‌ی اقتصاد شتاب گیرد.

منابع

- احمدی، سیدمهدی، پژوهان، جمشید و الهامی، غلامعلی. ۱۳۹۳. هدفمند کردن قیمت حامل‌های انرژی و رفتار مصرفی خانوارهای شهری، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، دوره ۸، شماره ۲۷، ۱۵-۱.
- پژوهان، جمشید. ۱۳۹۶. اقتصاد بخش عمومی (هزینه‌های دولت)، تهران: انتشارات جنگل.
- تقوی، مهدی. ۱۳۹۶. مقدمه‌ای بر تحلیل‌های اقتصاد خرد، تهران: انتشارات مروی.
- تودارو، مایکل. ۱۹۶۸. توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- دل‌انگیزان، سهراب و مظفری، زانا. ۱۳۹۴. آثار اقتصادی هدفمندسازی یارانه انرژی در کشورهای منتخب، همایش ملی اقتصاد مقاومتی: چالش‌ها، واقعیت‌ها و راهکارها، دانشگاه رازی کرمانشاه، ۴۱-۲۶.
- رحیمی کلانتری، عباس. ۱۳۹۳. بررسی اقتصادی یارانه، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- صنعتی، سوزانه و تدین، شبنم. ۱۳۹۶. ارائه‌ی الگویی اصلاح شده جهت بازتوزیع یارانه‌ها، همایش ملی تفکر بسیجی، پژوهش و اقتصاد مقاومتی، ۱۵-۱.
- طغیانی، مهدی و درخشان، مرتضی. ۱۳۹۳. تحریم‌های اقتصادی بر ایران و راهکارهای مقابله با آن، فصلنامه راهبرد، سال ۲۳، شماره ۷۳، ۱۴۶-۱۱۵.
- فیتزبریگ، تونی. ۱۳۹۱. نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست؟)، ترجمه هرمز همایون پور، تهران: انتشارات مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

- کجباف، سینا. ۱۳۹۳. تاریخچه یارانه در ایران و جهان، تهران: اداره کل آموزش و پژوهش معاونت سیاسى صدا و سیماى جمهورى اسلامى ایران.
- کریمى اعتماد، فاطمه و یعقوبى، جعفر. ۱۳۹۵. سنجش نگرش اعضاى هیئت علمى دانشگاه زنجان نسبت به اقتصاد مقاومتى و عوامل مرتبط با آن، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامى، سال ۱۰، شماره ۳۷، ۱۹-۳۸.
- محسنى، منوچهر و پرویز صالحى. ۱۳۹۱. رضایت اجتماعى در ایران، تهران: انتشارات آرون.
- مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵. نتایج آمارگیرى از هزینه و درآمد خانوارهاى شهرى و روستایى، جلد سوم، تهران: مرکز آمار ایران.
- مصلى نژاد، عباس و یزدانى زازرانى، محمدرضا. ۱۳۹۲. ارزیابى پسینى اجراى فاز نخست اجراى قانون هدفمند کردن یارانه‌ها از منظر نتیجه‌بخشى، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعى ایران، دوره ۶، شماره ۱، ۷-۲۰.
- یوسفى، احمدعلى. ۱۳۸۹. انسان شناسى و رفتار مصرفى، مرکز تحقیقات اسلامى دانشگاه بهشتى، ۵۳-۸۲.
- Altieri, M. 2009. **Agro-ecology, small farms, and food sovereignty**”, Monthly Review. 61 (3): 102–113.
- Anderson, K. and Will, M. 2015. **“Agricultural Trade Reform and the Doha Development Agenda”**, the World Economy, 28 (9): 130–137.
- Farah, P., David, C. and Elena, C. 2015. **“World Trade Organization, Renewable Energy Subsidies and the Case of Feed-In Tariffs: Time for Reform toward Sustainable Development?”** Georgetown International Environmental Law Review (GIELR). 27 (1): 1-13.
- Haley, U.G. 2013. **Subsidies to Chinese Industry**, London: Oxford University Press.
- Hope, C., Gilding, P. and Alvarez, J. 2015. **Quantifying the implicit climate subsidy received by leading fossil fuel companies**, Cambridge, UK: Cambridge Judge Business School, University of Cambridge
- Ivanova, D., Stadler, K., Steen-Olsen, K., Wood, R., Vita, G., Tukker, A. and Hertwich, G. 2015. **“Environmental Impact Assessment of Household Consumption”**, Journal of Industrial Ecology, 20 (3): 526–536.
- Karnik, A. and Lalvani, M. 2016. **“Interest Groups, Subsidies and Public Goods: Farm Lobby in Indian Agriculture, Economic and Political Weekly”**, Republished in 31 (13): 818–820.
- Miller, D. 2014. **A Theory of Shopping**, Ithaca, N.Y.: Cornell University Press, 3rd Edition.
- Rennie, D. 2008. **“Two Thoughts on Abraham Maslow”**, Journal of Humanistic Psychology. 48 (4): 445–448.
- Thompson, W., Mishra, A. and Dewbre, J. 2015. **“Farm Household Income and Transfer Efficiency: An Evaluation of United States Farm Program Payments”**, American Journal of Agricultural Economics, 91(2): 126–135.